



## بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ( ۱ ) - 12 / آبان / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانان عزیز، فرزندان عزیز من! ان شاء الله که خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد و دل‌های پاک و نورانی شما را با الطاف خود، با هدایت خود ان شاء الله در راه حق و در صراط مستقیم نگه دارد.

امسال ایّام اربعین با ایّام مربوط به سیزدهم آبان منطبق بر هم و مصادف با هم شدند. یک جمله راجع به اربعین عرض بکنم؛ اولاً به کسانی که توفیق پیدا کردند و امسال هم این سفر را با شور و عشق و اخلاص پیمودند و این راه را پیمودند و این سفر را رفتند، تبریک عرض میکنیم؛ توفیق بزرگی است؛ خوشا به حالتان. ان شاء الله که این فیض شامل حال همه‌ی کسانی که دوست میدارند و علاقه‌ی به این راه دارند بشود. ثانیاً از مردم عراق، ملت عراق، دولت عراق، شخصیت‌های صاحب‌نظر و سیاسی عراق که در این راه کمک کردند و انصافاً تلاش کردند، تسهیل کردند این حرکت را برای ملت خودشان و برای ملت‌هایی که از کشورهای دیگر می‌رفتند - بخصوص از کشور ما که ظاهراً بیش از دو میلیون جمعیت رفتند - از آنها هم من صمیمانه تشکر میکنم. از همه‌ی کسانی که میهمانداری کردند، پذیرایی کردند، محبت کردند - از همه‌ی برادران عراقی عزیز - من سپاسگزاری میکنم؛ کار بزرگی انجام دادند.

پدیده‌ی اربعین یک پدیده‌ی غیر قابل توصیفی است، اصلاً بی‌نظیر است؛ یک رزمایش عظیم و شگفتی‌ساز است این حرکت فوق‌العاده، و همین‌طور که مکرّر در این روزها گفته شد، در دنیا دیگر نظیری ندارد. غربی‌ها هم نمیتوانند درک کنند این حرکت را که یعنی چه، چطور میشود؟ لذا شما می‌بینید دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان اولاً چند سال که سکوت میکنند، «توطئه‌ی سکوت»؛ [در حالی که] کمترین حرکتی را در هر جای دنیا اینها منعکس میکنند، چند سال اینها اصلاً اسم این حرکت عظیم مردمی را نیاوردند، اشاره‌ای به آن نکردند، تصویری از آن منتشر نکردند، و امسال هم که یک مقداری [به آن] پرداختند، تحلیل‌های خصمانه، تحلیل‌های غلط کردند که از نظر مؤمنان به این راه، تحلیل‌های بلاهت‌آمیزی است. امثال این رادیوی انگلیس و امثال اینها تحلیل خصمانه کردند. این نشان‌دهنده‌ی این است که فوران این سرچشمه‌ی فیاض، بشدت آنها را دستپاچه کرده، نمیتوانند تحلیلش کنند. گاهی گفتند این راه دستهای دولتی به راه انداختند! کدام دولتی میتواند ده میلیون، پانزده میلیون انسان را - مرد، زن، پیر، جوان، قشرهای مختلف - راه بیندازد، حداقل هشتاد کیلومتر پیاده اینها را از یک شهر به یک شهر دیگر بکشاند؟ کدام دولتی میتواند این کار را بکند؟ حالا اگر فرض کنیم به فرض محال، دولت جمهوری اسلامی و دولت عراق هم توانسته‌اند این کار را بکنند، خودش یک معجزه‌ی دولتی است؛ خب شما هم بکنید اگر میتوانید! اگر بلدید، شما هم این کار را راه بیندازید؛ نه، جز عشق، جز ایمان، جز جوشندگی خون شهیدان و الامقام، هیچ عاملی قادر نیست این حرکت را انجام بدهد. کار بزرگی انجام گرفته است؛ روزه‌روز هم بهتر، قوی‌تر، پخته‌تر و جاافتاده‌تر میشود. هر سالی از سال قبل بهتر میشود؛ ان شاء الله بعد از این هم ادامه خواهد داشت. و غربی‌ها هم مجبورند تماشا کنند و نتوانند تحلیل کنند، نتوانند بفهمند و ضربه‌ی این حرکت را هم خواهند خورد.



خب، مناسبت دیدار امروز سیزدهم آبان است که فردا است. در سیزدهم آبان همین طور که میدانید، سه حادثه اتفاق افتاده است که هر سه به نحوی به آمریکا مرتبط است. حادثه‌ی اوّل، تبعید امام است که به خاطر کاپیتولاسیون بود؛ مصونیت مستشاران آمریکایی در ایران. امام آن نطق طوفانی را در سال ۴۳ انجام دادند و به دنبال آن تبعید شدند؛ این حادثه‌ی اوّل که مربوط میشد به آمریکا.

حادثه‌ی دوّم مربوط به کشتار دانش‌آموزان است در سال ۵۷، جلوی دانشگاه -همین جا [دانشگاه تهران]- که این هم به دست سربازهای آمریکایی نبود اما به دست رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا بود؛ رژیم طاغوت، رژیم پهلوی؛ [پس] این هم به نحوی منتسب به آمریکا است. یعنی آمریکایی‌ها و دست‌نشانده‌های آنها برای پیشبرد اهداف شیطنی خود حاضر به این جور جنایتها هستند. خب دارید می‌بینید، در دنیا هم از این قبیل امروز [هست]؛ مسائل یمن، مسائل بحرین و مسائل بسیاری از نقاط دنیا نشان‌دهنده‌ی همین حقیقت است. اینجا هم این کار را کردند و دانش‌آموزان را، نوجوانان را با تیراندازی مستقیم به خاک و خون کشیدند؛ و این هم یک حادثه.

حادثه‌ی سوّم، حادثه‌ی سفارت است -لانه‌ی جاسوسی آمریکا- که این سیلی ایران متقابلاً به آمریکا بود. یعنی انقلاب این قدرت را به ملت ایران داد که در مقابل حرکات آنها، در مقابل حملات آنها این جور سیلی بزنند و آمریکا را تحقیر کنند.

مجموعه‌ی این سه حادثه یک چالشی را نشان میدهد بین ایران و آمریکا؛ این چالش تا امروز ادامه دارد. چهل سال است که این چالش بین ایران اسلامی و آمریکا ادامه دارد، و انواع و اقسام تحرکات هم از سوی دشمن در این چهل سال اتفاق افتاده است. شماها خیلی از این حوادث را البته نبودید، حضور نداشتید، شاهد نبودید، اما شنیده‌اید یا خوانده‌اید. من حالا فقط اشاره میکنم؛ مثلاً جنگ نظامی، حرکت نظامی در این مدت از سوی آمریکا اتفاق افتاد به صورتهای مختلف، که بدترینش تحریک صدام حسین بود که به ایران حمله کند؛ تحریکش کردند، به او قول دادند، قول کمک دادند، کمک هم کردند، هشت سال کشور را درگیر جنگ کردند؛ این مثلاً [یک نمونه]؛ البته تودهنی خوردند، شکست خوردند، عقب نشستند. یا فرض بفرمایید حمله‌ی به ایرباس، حمله‌ی به طبس، حمله‌ی به سکوی نفتی ما؛ اینها کارهایی بوده که آمریکایی‌ها علیه ما انجام دادند.

جنگ اقتصادی هم در این چالش چهل‌ساله وجود داشته که مخصوص امروز نیست. حالا آمریکایی‌ها در واقع سر خودشان را یا سر ملتشان را کلاه میگذارند که میخواهند بگویند یک کار جدید داریم میکنیم؛ نه، کار جدیدی نیست، چهل سال است که به شکلهای مختلف تحریم اقتصادی علیه ما دارند؛ حالا یک روز نفت است، یک روز معامله است، یک روز تجارت است، یک روز سرمایه‌گذاری است؛ انواع و اقسامش را داشته‌اند. این هم جنگ اقتصادی و مقابله‌ی اقتصادی. جنگ رسانه‌ای هم داشته‌اند؛ از اوّل انقلاب تا امروز، آمریکا جنگ رسانه‌ای با ما داشته؛ یعنی دروغ‌پراکنی، اغواگری، فتنه‌انگیزی، ترویج فساد، تحریک افراد؛ این مال امروز نیست. امروز البته شیوه‌های جدید و اینترنت و فضای مجازی و امثال اینها هم آمده است اما آن وقتی هم که اینها نبود، با تلویزیون، با رادیو، با ماهواره، دائم مشغول بودند؛ یعنی چهل سال است که این چالش بین ما و آمریکا وجود دارد.

خب، یک حقیقت مهمی در اینجا وجود دارد که گاهی از چشم بعضی‌ها پنهان میماند، از کثرت وضوح مخفی میشود. آن حقیقت یک حقیقت درخشانی است و آن، این است که در این چالش چهل‌ساله، طرفی که مغلوب شده



آمریکا است، طرفی که پیروز شده جمهوری اسلامی است؛ این حقیقت بسیار مهمی است. دلیل بر اینکه آمریکا مغلوب شده چیست؟ دلیلش این است که حمله را او شروع کرده، کارهای فسادانگیز را او انجام داده، تحریم را او کرده، حمله‌ی نظامی را در واقع او کرده، اما به مقاصد خودش نرسیده؛ این دلیل شکست آمریکا است. در تمام این کارها هدف آمریکا این است که سیطره‌ای را که در دوران طاغوت بر این کشور داشت، دوباره آن سیطره را به دست بیاورد. این سیطره و سلطه با انقلاب از بین رفته بود، دستش کوتاه شده بود؛ هدف این تحمیل جنگ و تحمیل تحریم و فشارهای سیاسی و اقتصادی و امثال اینها این بود که این سیطره را برگرداند، خب نتوانسته؛ چهل سال است دارد زور میزند و نتوانسته به جایی برسد. امروز شما نگاه کنید کشوری که آمریکا به قدر یک ارزن در تصمیماتش و در اقداماتش نقش ندارد، جمهوری اسلامی ایران است؛ خب این شکست آمریکا است؛ دیگر شکست از این واضح‌تر نمیشود. هدفش از تحمیل جنگ این بود که جمهوری اسلامی را در جنگ با صدام مغلوب کند، بی‌آبرو کند و این جور بگوید که «بله، حکومت جمهوری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی موجب شد که ایران شکست بخورد»، [اما] بعکس شد. در همه‌ی جنگهایی که در این دو بیست سال اخیر ایران با کشوری داشته، ایران شکست خورده؛ این جنگ هشت ساله اولین جنگی و تنها جنگی است که ایران طرف را شکست داده و شکست نخورده؛ یک وجب از خاک کشور به دست بیگانه نیفتاده؛ این اولین جنگ است. درست عکس آنچه آمریکایی‌ها میخواستند، اتفاق افتاد.

هدفش از تحریم، فلج کردن و عقب‌نگه داشتن کشور بود. تحریم را برای این انجام داد که بلکه اقتصاد را فلج کند، کشور را فلج کند و عقب‌نگه دارد؛ نتیجه چه شده؟ نتیجه این شده که حرکت به سمت خودکفایی در کشور سرعت گرفته. ما عادت کرده بودیم، ملت ایران در طول سالهای متمادی عادت کرده بود که همه چیز را وارد کند. ما حالا به برکت تحریمهایی که کردند، عادت کردیم که همه چیز را اول خودمان برویم به سراغ ساختن و تولید کردنش، که حالا من بعداً باز یک اشاره‌ای به این خواهم کرد. امروز صدها گروه، گروه‌های فعال از جوانهای خوش فکر - چه دانشجویان دانشگاهی، چه دانش‌آموختگان - مشغول کارهای مهمی در سطح کشورند که حالا بعداً عرض کردم یک اشاره‌ای باز خواهم کرد به آنچه اینها انجام میدهند. این بر اثر تحریم است. ما چون تحریم شدیم، به فکر افتادیم نیازهایمان را خودمان [رفع کنیم]. پس تحریم هم به نفع ما شد یعنی آمریکا در این سیاست هم شکست خورد. ببینید؛ اینها شکستهای پی‌درپی طرف آمریکایی است.

دلم میخواهد به این نکته شما جوانان عزیز درست توجه کنید - [چون] کارهای آینده‌ی این کشور دست شماها است، به اینها باید توجه کنید - حالا بحث چالش ایران و آمریکا را میگذاریم کنار، در یک نگاه وسیع‌تر وضعیت آمریکا را وقتی که نگاه میکنیم، می‌بینیم که قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه‌ی آمریکا در دنیا رو به افول و رو به زوال است؛ در طول سالها دائماً دارد کم میشود. آمریکای امروز از آمریکای چهل سال قبل که انقلاب پیروز شد، بمراتب ضعیف‌تر است؛ قدرت آمریکا رو به افول است؛ نکته‌ی مهم این است.

بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته‌ی خود و نظر خود و عقیده‌ی خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است؛ در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوباما هم همین جور بود اما زمان این آقا که دیگر به طور واضح با او مخالفت میشود؛ در غالب زمینه‌هایی که او تصمیم میگیرد، در دنیا با او مخالفت میشود. نه فقط مخالفت مردمی - که اگر قرار باشد رأی‌گیری کنند و از مردم هر کشوری سؤال کنند، نظرات منفی خواهند داد - حتی



دولتها هم که رودر بایستی دارند با آمریکا، با او مخالفت میکنند؛ چین مخالفت میکند، اروپا مخالفت میکند، روسیه مخالفت میکند، هند مخالفت میکند، آفریقا مخالفت میکند، آمریکای لاتین مخالفت میکند. قدرت نرم آمریکا رو به افول است، رو به سقوط است. این را من نمیگویم؛ این جزو حرفهایی است که جامعه‌شناس‌های مطرح دنیا امروز دارند این حرف را میزنند. نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است بلکه حتی لیبرال دموکراسی را هم که پایه‌ی اساسی تمدن غرب است، اینها بی‌آبرو کردند، دارند بی‌آبرو میکنند. چندین سال قبل از این یک جامعه‌شناس مطرح دنیا گفت وضعیت کنونی آمریکا منته‌الیه تکامل تاریخی بشر است و بشر دیگر از این بالاتر نمیتواند برود. همان آدم امروز حرفش را پس گرفته، میگوید «نه» و آرزو میکند چیزهای دیگری را. حالا صریحاً ممکن است نگوید من اشتباه کردم اما حرفهای دیگری را دارد میزند، درست نقطه‌ی مقابل آن حرفی که آن روز زده بود. خب این وضع آمریکا است.

البته لیبرال دموکراسی - بنده قبلها هم مکرر این را گفته‌ام - خود ملتهای غربی را که پایه و اساس حکومتشان و نظام اجتماعی‌شان بر لیبرال دموکراسی است، بدبخت کرده. لیبرال دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آنها را بیچاره کرده؛ شکافهای اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آنها بیچاره شده‌اند. حالا این آقا هم که آمده - این رئیس‌جمهور فعلی عجیب و غریب آمریکا - که دیگر به همه‌ی اینها چوب حراج زده و در واقع تتمه‌ی آبروی هم آمریکا و هم لیبرال دموکراسی را برده. خب حالا این در مورد قدرت نرم آمریکا است.

بنده عرض میکنم قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی‌گری، قدرت اقتصاد؛ اینها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردود [است]. برای همین است که در بسیاری از کشورهایی که آنها حضور دارند، برای اینکه بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند، از سازمانهای جنایت‌کاری مثل بلک واتر و از این قبیل استفاده میکنند؛ یعنی سرباز آمریکایی قادر به اجرای آن نقشه‌ی آمریکایی نیست؛ نیروی انسانی‌شان این است.

اقتصادشان هم همین جور. آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه‌ی آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی اینها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق و برق، با شعار، با حرفهای گوناگون، با ظاهرسازی‌ها روی اینها را میپوشانند اما واقعیت‌های آمریکا این است؛ این قدرت سخت آمریکا است.

بنابراین آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله‌ی فلسطین را در این منطقه بکلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است. آن که زنده است، ملتهای منطقه‌اند؛ آن چیزی که زنده است، حقایقی است که در این منطقه وجود دارد. آمریکا در منطقه‌ی خودش هم رو به افول است، چه برسد در اینجا!

یکی از مظاهر شکست آمریکا این است که نتوانسته بر روحیه‌ی استقلال‌طلبی در ملت ما و بر روی جوانان ما اثر بگذارد. شما ببینید، امروز احساسات جوانان و نوجوانان عزیز ما در سرتاسر کشور احساسات استقلال‌طلبانه است. بعضی‌ها حتی به مبانی دینی هم خیلی پایبند نیستند اما نسبت به تسلط بیگانه احساس مقاومت میکنند؛ این



نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا با این همه تبلیغات، با این همه تلاشی که انجام داده است، با این امپراتوری خبری و رسانه‌ای که در دنیا راه انداخته، نتوانسته روی نسل جوان کشور ما اثر بگذارد؛ روحیه‌ی مقاومت آنها را و استقلال‌طلبی آنها را نتوانسته ضعیف کند و از بین ببرد. بجد این را من عرض میکنم - چون مشاهده میکنم - که امروز جوانهای ما از لحاظ انگیزه‌ی ایستادگی و مقاومت از جوان نسل اول انقلاب اگر جلوتر نباشند، عقب‌تر نیستند؛ امروز این را انسان دارد بدرستی مشاهده میکند. مخصوص جوانهای ما هم نیست، این بتدریج در بین جوانهای کشورهای دیگر هم تا آنجایی که ما اطلاع داریم، رسوخ پیدا کرده؛ بخصوص کشورهای همسایه‌ی ما. جوانهای عزیز مؤمن در کشورهای نزدیک به ما و همسایه‌ی ما که انسان حرفهای آنها را، اقدامهای آنها را، پیامهای آنها را میبیند، رفتارهای آنها را، احساس میکند که روحیه‌ی استقلال در آنها زیاد است. البته دشمن - آمریکایی‌ها - بعضی از این چیزها را از چشم ما میدانند؛ میگویند این به‌خاطر حرکت جوانان ایرانی است. تهدید هم میکنند ما را، تهدید میکنند که چرا جوانهای فلان کشور به نیروهای ما حمله کردند؟ یعنی این واقعاً از آن حرفهای عجیب و غریب [است]! پیغام میدهند که جوانهای فلان کشور همسایه‌ی شما اگر چنانچه به نیروهای ما حمله نکنند یا به افراد طرف‌دار ما حمله کنند، ما شما را مقصّر میدانیم! خب شما غلط میکنید ما را مقصّر میدانید. مردم عراق از شما متنفرند، جوانهای عراق از شما متنفرند، جوانهای لبنان از شما متنفرند، این طرف در شرق، جوانهای افغانستان از شما آمریکایی‌ها متنفرند، جوانهای پاکستان از شما آمریکایی‌ها متنفرند، این به ما چه ربطی دارد! از شما متنفرند، ممکن است یک اقدامی هم علیه شما بکنند. بله، این یک واقعیتی است، آمریکایی‌ها چرا درک نمیکنند؟ نفرت ملت‌ها از خودشان را چرا نمیفهمند، چرا درک نمیکنند؟ بد کردید، عمل زشت انجام دادید، سیطره‌جویی کردید به این کشورها، به این مردم اهانت کردید، [لذا] از شما متنفرند. مردم عراق حق دارند از شما متنفر باشند، مردم سوریه حق دارند از شما متنفر باشند، کشورهای دیگر هم همین‌جور. آمریکا رو به افول است؛ همه این را بدانند. آن کسانی که گرایش به این دارند که برویم با آمریکایی‌ها سازش کنیم، بیخودی نقشه‌ی بی‌اساس و بی‌پایه میکشند؛ آمریکا رو به افول است. عوامل افول آمریکا هم مربوط به امروز و دیروز نیست که حالا یکی بخواهد بیاید علاجش کند؛ مربوط به طول تاریخ [است]. عامل این وضعیتی که آمریکایی‌ها دچارش شدند، عامل بلندمدت است؛ اینها در طول تاریخ وضعیتی را به وجود آوردند که نتیجه‌اش همین است و به این آسانی‌ها علاج‌شدنی نیست. این ست الهی است، اینها محکومند به اینکه ساقط بشوند، محکومند به اینکه افول کنند، زایل بشوند از صحنه‌ی قدرت جهانی.

خب، نقطه‌ی مقابل، جمهوری اسلامی است. من البته نمیخواهم بزرگنمایی کنم، نمیخواهم مبالغه کنم؛ ما از صفر شروع کردیم، راهی را که دیگران در طول ۱۰۰ سال، ۱۵۰ سال یا بیشتر رفتند، بنده مدعی نیستم که ما در طول ۴۰ سال توانستیم برویم اما مدعی‌ام که در طول این چهل سال مرتباً جلو رفتیم، مرتباً پیشرفت کردیم، مرتباً قوی شدیم؛ حرکت چهل‌ساله‌ی جمهوری اسلامی، این را بروشنی اثبات میکند. ما یک حرکت جدی استقلال‌صنعتی و استقلال سیاسی را در کشورمان شاهدیم. اینکه عرض کردم «صدها گروه جوان»، این یک واقعیتی است. بنده بعضی را از نزدیک می‌شناسم، بعضی را از دور می‌شناسم؛ جوانهای جدی، فعال، خوش‌استعداد، مبتکر، با همت‌های بلند مشغول کارند، مشغول تلاشند در زمینه‌های گوناگون؛ زمینه‌های فکری، زمینه‌های عملی، زمینه‌های علمی، زمینه‌های فتاوری؛ نه به فکر رئیس شدنند، نه به فکر مدیر شدنند، نه به فکر وزیر و وکیل شدنند؛ دارند کار میکنند؛ امروز این‌جوری است. این یک پدیده‌ی مبارکی است که امروز در کشور ما وجود دارد؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد.

من به شما جوانهای عزیز چند سفارش می‌خواهم عرض بکنم؛ اینها چیزهایی است که برای آینده‌ی کشور لازم





است. سفارش اول: دشمنی با آمریکا را فراموش نکنید؛ فریب لبخند دروغین و فضاحت‌بار دشمن را نخورید. گاهی میگویند که «ما با ملت ایران مشکلی نداریم، مشکل ما با دولت جمهوری اسلامی است»؛ دروغ میگویند! دولت جمهوری اسلامی بدون تکیه‌ی به این ملت کاره‌ای نیست. با ملت دشمنند؛ با ملتی که حضور خود و قوت خود و اراده‌ی خود را در طول چهل سال از دست نداده است دشمنند؛ تحریمها علیه مردم است. دشمنی آمریکا را فراموش نکنید. آمریکا قبل از انقلاب هم با ملت ایران دشمنی میکرد، منتها آن وقت عوامل خودش سر کار بودند؛ هر کار میخواست، انجام میداد؛ هر جور دلش میخواست، عمل میکرد، و رژیم منحوس وابسته‌ی پهلوی و طاغوت از آنها تبعیت میکرد. جمهوری اسلامی محکم در مقابل آنها ایستاده است، لذا دشمنی‌شان واضح و آشکار است؛ از ابعاد مختلف هم دشمنی میکنند؛ این [حرفهای دروغشان] را توجه نکنید.

خب، این دشمنی تا کی [است]؟ یک سؤال است: تا کی دشمنی با آمریکا؟ جوابش این است که تا وقتی که آمریکا سیطره‌جویی خودش را کنار بگذارد؛ اگر سیطره‌جویی خودش را کنار گذاشت، مثل دیگر کشورها با او میشود تعامل کرد، با او میشود ارتباط پیدا کرد؛ که البته چنین چیزی هم بعید است؛ ذات استکبار - یکی از برادرهای عزیز، اینجا گفتند - ذات سیطره‌جو و سلطه‌جو است؛ بله، مادامی که این جوری است، دشمنی هست. اگر چنانچه این را کنار گذاشت، دشمنی و قطع و قهر و مانند اینها بکلی از بین خواهد رفت؛ اما این چیزی نیست که [بشود].

نکته‌ی دوم: نظریه‌ی مقاومت در مقابل دشمن قوی‌پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه‌ی مقاومت، یک نظریه‌ی اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی - از هر دو جهت - باید [ترویج شود]. معنای نظری این است که تبیین کنید. شما جوانها خیلی خوب میتوانید این نظریه‌ی مقاومت را تبیین کنید؛ هم در بین خودتان و هم محیطی که در آنجا قرار دارید و هم حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوانهای دیگر. نظریه‌ی مقاومت را، این را که هدف استکبار سیطره است، هدف استکبار سلطه است، سلطه‌ی بر ملتها است، برای همه تبیین کنید، بدانند که هدف استکبار این است.

از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حق جوانها میدانیم؛ جوانهای عراق، جوانهای سوریه، جوانهای لبنان، جوانهایی در شمال آفریقا، جوانهایی در مناطق شبه‌قاره و اطراف آنها، یک مشت جوانهایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت میکنند، ایستاده‌اند؛ حق اینها است، ما حق اینها میدانیم؛ تقویت این جریانها به معنای تقویت نظریه‌ی مقاومت است.

نکته‌ی سوم: شما جوانها خودتان را در قبال مسئله‌ی پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه‌ی پیشرفت، برنامه‌ی مشخصی است، برنامه‌ی فکرشده و سنجیده‌ای است. ملاحظه کردید، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی که تا پنجاه سال میتواند قالب حرکت این کشور در جهات مختلف باشد، تبیین شده و تعیین شده و آماده شده است، در اختیار صاحب‌نظران است که آن را ورز بدهند و تکمیل کنند و کامل کنند. شما خودتان را جزئی از فعالان این نقشه‌ی وسیع و همه‌جانبه بدانید و برای آن خودتان را آماده کنید. این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است، یک روز با حضور در میدان سیاست است؛ هر روزی، هر دوره‌ای از زندگی شما یکی از این اقتضائات را دارد. خودتان را در همه‌ی احوال موظف بدانید که در قبال پیشرفت کشور، خودتان را سهیم و مسئول بدانید.



یکی از کارهای اساسی‌ای که ما در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور و آینده‌ی کشور باید انجام بدهیم، قطع وابستگی اقتصاد کشورمان به نفت است؛ که این را همه‌ی اقتصاددان‌های وارد و فهیم، نه امروز [بلکه] بارها، سالها گفته‌اند و تکرار کرده‌اند؛ و این یک واقعیتی است. ما هم همواره به مسئولین گفته‌ایم سعی کنند تا آنجایی که ممکن است، ما اقتصادمان را از فروش نفت خام جدا کنیم. ما که داریم نفت خام را میفروشیم، در واقع ثروتی را و موجودی‌مان را که قابل تجدید هم نیست و تمام میشود، از زیر زمین درمی‌آوریم میفروشیم، پول میگیریم، صرف اداره‌ی کشور میکنیم؛ این غلط است! بایستی این سرمایه را به‌نحوی استعمال کرد، به‌نحوی به کار برد، به‌نحوی مصرف کرد که درآمد افزوده داشته باشد؛ ما باید مصرف بهینه بکنیم [از نفت]. یکی از اشکالات مهم اقتصاد ما وابستگی است. خب جوانهای مؤمن ما، آن کسانی که اهل فکرند، اهل کارند، بنشینند راه‌هایی را پیدا کنند برای اینکه بتوانند کشور را [از وابستگی خارج کنند]. البته سیاستهای این کار طراحی شده؛ ما این صندوق توسعه‌ی ملی را که در سیاستهای کلی تشکیل داده‌ایم و ابلاغ کرده‌ایم، به‌خاطر همین است که بتوانیم از وابستگی به نفت خارج بشویم.

این را هم عرض بکنم، مدل توسعه را ما از غرب نمیگیریم؛ اولاً ما اسم این حرکت را پیشرفت میگذاریم، نه آن چنان که آنها اسم‌گذاری میکنند «رشد و توسعه». مدل پیشرفت کشور را ما از غرب نمیگیریم. غربی‌ها خودشان به‌خاطر این روش و این مدل، خودشان را بدبخت کرده‌اند، مشکلات فراوانی برای خودشان درست کرده‌اند؛ زرق و برق هست اما باطن و درون، پوسیده و رو به فساد است؛ از آنها ما نمیگیریم. البته از دانش روز و از فناوری روز حداکثر استفاده را میکنیم و پیشرفت را، هم مایه‌ی سعادت ملت، هم مایه‌ی افتخار ملت، هم مایه‌ی امنیت کشور میدانیم و برای پیشرفت کشور تلاش میکنیم، و جوانهای ما و عزیزان ما بایستی در این زمینه‌ها خودشان را مسئول بدانند و احساس تکلیف بکنند و احساس وظیفه بکنند.

نیاز اصلی کشور هم عبارت است از همّت بلند شما. شما جوانها باید همّت کنید، همّت بلند داشته باشید، تلاش کنید، کار کنید، ترس را کنار بگذارید، تنبلی را کنار بگذارید، ابتکار را سرلوحه‌ی کار خودتان قرار بدهید، نوآوری را وظیفه‌ی بزرگ خودتان بدانید؛ البته با غیرت ملی، تعصب ملی؛ اینها چیزهایی است که برای کشور ما، برای جوانهای ما لازم است؛ در همه‌ی زمینه‌ها؛ یک مجموعه‌ی پُرنشاط، مجموعه‌ی فعال و متحرک.

این توصیه‌ی ما به جوانها بود لکن این توصیه خطاب به مسئولان هم هست؛ مسئولان این حرفها را جدی بگیرند، جوانها را جدی بگیرند، از نسل جوان امروز که باانگیزه است، به‌معنای واقعی کلمه استقبال کنند، نسل جوان را کمک کنند. بنده میبینم در مواردی یک مجموعه‌ی جوان، یک کار بسیار خوب و برجسته و راهگشایی را انجام داده‌اند [اما] دستگاه مسئول مرتبط با این کار به آنها کمک نمیکند! این یکی از اشکالات کار ما است. مسئولین، جوانها را جدی بگیرند، کارهای آنها را جدی بگیرند، به آنها اهتمام داشته باشند.

آنچه من در پایان صحبت‌م می‌خواهم عرض کنم: جوانهای عزیز! همان‌طور که عرض کردم، بدانید آینده‌ی این کشور و آینده‌ی ایران اسلامی از گذشته‌ی آن بمراتب بهتر و درخشان‌تر است. بدانید اگر چنانچه با این روحیه‌ای که امروز شما دارید و نشان میدهید، این ملت پیش برود و حرکت بکند، تردیدی نیست که در آینده‌ی نه‌چندان دوری خواهد توانست به اوجی در دنیا برسد که در تعاملات جهانی، همیشه دست برتر را داشته باشد و بتواند مقاصد خودش را



پیش ببرد؛ این چیزی است که حتمی و قطعی است و در این تردیدی نیست، و شما جوانهای عزیز ان شاء الله این را به چشم خودتان خواهید دید و آن روز تجربه خواهید کرد این پیشرفت عظیمی را که به برکت اسلام و به برکت انقلاب اسلامی در کشور به وجود آمده است.

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که روح مطهر شهدای بزرگوار ما را که آنها این راه را باز کردند، این فضای امن را برای کشور به وجود آوردند، با ارواح مطهر شهدای صدر اسلام و کربلا محشور کند، و قلب مقدس ولی عصر ( ارواحنا فداه) و روح مطهر امام بزرگوار و شهدای ابرار را از همهی ما راضی کند؛ ما را به وظایف خودمان آشنا و ان شاء الله در انجام آن وظایف، همهی ما را موفق کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، آقایان محمدصابر باغخانی و مرتضی عزیزی ( نمایندگان دانشجویان و دانش آموزان) مطالبی بیان کردند.